

18 عقرب 1392 برابر 9 نومبر 2013

## سیاست یک بام و دو هوا در حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی و یک پرسش بی پاسخ محمد اکرام اندیشمند

قتل حکیم الله محسود رهبر طالبان پاکستان (اول نومبر 2013) توسط هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی در پنج کیلومتری شهر میرانشاه مرکز وزیرستان شمالی، یکبار دیگر سیاست امریکایی جنگ با تروریسم را مخدوش و پرسش برانگیز می نماید. صرف نظر از اینکه مرگ رهبر طالبان پاکستانی چه نقشی در تضعیف شبکه های افراط گرا و تروریستی پاکستان و حتی افغانستان دارد، و صرف نظر از اینکه ظاهراً، قتل محسود تا چه حدی روابط میان واشنگتن و اسلام آباد را مکدر میسازد و آیا اعتراض خشمگینانه ی حکومت نواز شریف به این قتل که وزیر داخله اش آنرا قتل صلح خواند، واقعی است یا نمایشی، این پرسش قابل بحث و پاسخ است که چرا طیارات بدون سرنشین امریکایی، جنگجویان و چهره های مشابه افغان را در افغانستان و پاکستان هدف قرار نمیدهند؟

حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی در جهت کشتار هدفمند و گزینشی طالبان پاکستان و اعضای القاعده از سال 2004 آغاز یافت. اولین شکار در این سال، قتل ملانیک محمد نخستین رهبر طالبان پاکستانی بود. هواپیماهای بدون سرنشین از آن زمان تا سال جاری (1392 خورشیدی/2013 عیسوی) بیش از دو هزار و ششصد نفر را در بیش از دوصد ماموریت هوایی به کام مرگ بردند. هر چند شمار بسیار کمی از این افراد (در حدود سه در صد) غیر نظامیان بودند، اما اکثر قربانیان این حملات را افراد مهم جنگجویان القاعده و طالبان پاکستانی تشکیل میدادند. پس از نیک محمد در چهاردهم اسد 1388 (5 آگست 2009) بیت الله محسود دومین رهبر مقتدر و معروف طالبان پاکستانی توسط موشک هواپیمای بدون سرنشین امریکایی در منطقه زنگر واقع وزیرستان جنوبی به قتل رسید. در سالهای بعد، قاری حسین قوماندان معروف طالبان پاکستان، حضرت عمر معاون گروه طالبان و سپس در اوایل سال 2013 مولوی نذیر از رهبران با نفوذ طالبان و دو ماه بعد (29 می 2013) ولی الرحمن معاون رهبری طالبان از مهم ترین چهره های رهبری و فرماندهی طالبان پاکستان بودند که شکار هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی شدند. و قتل حکیم الله مسعود رهبر طالبان پاکستان در اول ماه جاری عیسوی (اول نوامبر 2013) تازه ترین شکار هواپیماهای بی سرنشین بود. در این حمله، قوماندان طارق محسود، عبدالله بهار و کاکای حکیم الله محسود از افراد مورد اعتماد رهبر طالبان نیز با او کشته شدند. حکیم الله محسود متولد سال 1981 در روستای کوتیکی واقع منطقه جندوله وزیرستان شمالی و از رهبران افراطی و خشونتگرای طالبان پاکستانی و بسیار نزدیک به القاعده بود. او حملات متعدد انتحاری و غیر انتحاری را علیه نیروهای پاکستان طراحی و رهبری کرد. حکیم الله محسود پس از آنکه در آگست 2009 به رهبری طالبان پاکستان رسید، امریکا پنج میلیون دالر را جایزه ی قتل موصوف تعیین کرد.

اما پرسش بسیار مهمی که هنوز پاسخی به آن ارائه نشده است به دو گانگی حملات و نقش این هواپیماها در مبارزه علیه تروریسم و دهشت افگنی بر میگردد. چرا هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی، رهبران و فرماندهان طالبان پاکستانی و جنگجویان القاعده را تعقیب می کنند و به قتل می رسانند، اما رهبران و فرماندهان طالبان افغانستان را به حال خودشان میگذارند؟ در حالی که نیروهای امریکایی و ناتو در سال 2001 که سپس مجوز شورای امنیت ملل متحد را بدست آوردند برای جنگ با طالبان و القاعده وارد افغانستان شدند. و در حالی که آنها هزاران نیروی خود را در این جنگ از دست دادند و پیوسته از سوی طالبان مورد حمله قرار می گیرند و کشته می شوند. فرماندهان طالبان نه تنها در افغانستان مورد حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی قرار نمی گیرند، بلکه رهبران آنها به خصوص ملا عمر و اعضای شورای کویته، شورای پشاور و تمام مراکز فرماندهی و رهبری شان در پاکستان نیز در مصونیت به سر میبرند.

نکته ی که پرسش بالا را بصورت جدی قابل بحث و پاسخ می سازد، حملات زنجیره ای و گزینشی طالبان افغانستان در قتل رهبران و فرماندهان جبهه ی مقاومت پیشین ضد طالبان است. هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی، رهبران و فرماندهان طالبان پاکستانی و القاعده را دستچین کرده می کشند، ولی از قتل رهبران و فرماندهان طالبان افغانستان هم در پاکستان و هم در افغانستان احتراز می کنند. طالبان افغانستان بدور از حملات گزینشی هواپیماهای بدون سرنشین و حتی بدون مزاحمت آنان به قتل گزینشی و زنجیره ای فرماندهان و رهبران ضد طالبان در افغانستان به خصوص آنهاييکه در دوران مقاومت بر ضد طالبان فعال بودند می پردازند. آیا میان این دو قتل دستچین شده و گزینشی ارتباطی وجود دارد؟ اگر امریکایی ها در مناطق قبایلی پاکستان با هواپیماهای بدون سرنشین ده ها تن از افراد مهم طالبان پاکستانی و القاعده تا سطح رهبری طالبان پاکستان را به قتل رسانند، طالبان افغانستان نیز ده ها تن از چهره های مؤثر و معروف جبهه ی پیشین مقاومت ضد طالبان به شمول رهبران و فرماندهان آنها را ترور کرد. در میان رهبران و فرماندهانی که پس از حمله نظامی امریکا و فروپاشی امارت اسلامی طالبان توسط طالبان ترور شدند، استادبرهان الدین ربانی رئیس پیشین دولت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح و چهره های معروف و فرماندهان مشهور جبهه مقاومت پیشین ضد طالبان چون: سید مصطفی کاظمی، انجینر محمد عمر والی قندز، ژنرال محمد داود داود، ژنرال عبدالرحمن سید خیلی، ژنرال اکرم خاکریزوال، ژنرال خان محمد، ژنرال شاه جهان نوری، ملک زرین، احمدخان سمنگانی، جواد ضحاک رئیس شورای ولایتی بامیان و غیره قربانیان قتل های زنجیره ای و دست چین شده توسط طالبان افغانستان هستند. طالبانی که هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی رهبران و فرماندهان مهم آنها را نه در افغانستان و نه در پایگاه امن آنها در پاکستان نمی بینند؛ اما طالبان پاکستانی و جنگجویان القاعده به خصوص عرب های القاعده را در وزیرستان و مناطق قبایلی پاکستان بسیار خوب می بینند و آنها را با دقت و مؤفقت شکار می کنند.

ممکن است یکی از پاسخ های که به پرسش بالا ارائه شود به تبانی مشترک امریکایی ها و پاکستان بر سر اینگونه قتل های دستچین شده توسط هواپیماهای بدون سرنشین بر گردد. پاکستانیها در بدل این امتیاز از امریکایی ها که فرماندهان و رهبران طالبان افغانستان در پاکستان و حتی در افغانستان از حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی مصونیت داشته باشند، با امریکایی ها در قتل رهبران طالبان پاکستان و القاعده همکاری اطلاعاتی کنند. آنها بصورت دلخواه و گزینشی که سازمان اطلاعات نظامی ارتش(آی.اس.آی)، شکار چهره های مشخصی از آنها را در جهت منافع دولت و ارتش پاکستان ضروری تشخیص دهند. از سوی دیگر، مصونیت رهبران و فرماندهان اصلی طالبان افغانستان از شکار هواپیماهای بدون سرنشین در جهت تمایلات و مطالبات پاکستان، دست آنها را در قتل های دست چین شده و زنجیره ای مخالفان شان در افغانستان باز میگذارد و هم زمینه را در جهت تقویت نیرو و حوزه نفوذشان فراهم می کند.

اما صرف نظر از هر پاسخ و تحلیلی که در مورد قتل طالبان پاکستانی توسط حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی ارائه شود و مصونیت طالبان افغانی از این حملات در پیوند به سیاست و اهداف پاکستان مورد بحث قرار گیرد، پاسخ این پرسش را باید رهبران و فرماندهان جبهه مقاومت ضد طالبان که شریک قدرت حاکمیت در دولت افغانستان هستند، ارائه کنند. آیا این ها از معاونان رئیس جمهور تا وزیران، روسا، والیان، ژنرالان، و وکیلان در دولت تحت رهبری رئیس جمهورکرزی که رهبران و همسنگران خود را بصورت سازمان یافته، دستچین شده و زنجیره ای توسط طالبان از دست دادند از امریکایی های متحد خود در مبارزه علیه تروریسم پرسیده اند که چرا رهبران و فرماندهان طالب از حملات هواپیماهای بی سرنشین آنها مصون میماند و بر عکس دست طالبان در ترور و قتل گزینشی رهبران و فرماندهان مبارزه ی مشترک بر ضد تروریسم و طالبان باز است؟